

ز) گروه (ادعا شده) دال بر نهی زنان نسبت به خروج از منزل بدون اذن شوهر و توصیه به تضيیقاتی بر آنان!

توجه کنید :

- محمد بن علی بن الحسین باسناده عن شعيب بن واقد عن الحسين بن زيد عن الصادق عن آبائه - عليهم السلام - عن النبي - صلى الله عليه وآله - في حديث المناهي، قال : ونهى ان تخرج المرأة من بيتها بغير اذن زوجها، فان خرجت لعنهما كل ملك في السماء وكل شيء تمرّ عليه من الجن والانس حتى ترجع الى بيتها. ونهى ان تتزيّن لغير زوجها. فان فعلت كان حقاً على الله - عزوجل - ان يحرقها بالنار ونهى ان تتكلم المرأة عند غير زوجها ذي محرم اكثر من خمس كلمات مما لا بد منه...»¹.

در این پیوند برخی روایات دیگر نیز وجود دارد، از قبیل روایت معراج که در آن آمده است :

- رسول خدا - صلى الله عليه وآله - فرمودند : «يا علي! ليلة اسرى بي الى السماء رايت نساء من امتي في عذاب شديد ... واما المعلقة برجلها فانها كانت تخرج من بيتها بغير اذن زوجها ...»².

در این روایت تجسم اعمال به شکل مناسب کار به نحو ظریفی بیان شده است؛ مثلاً در خروج از منزل بحث معلق شدن به دو پا مطرح شده است. در ارضاع به فرزندان غیر شوهر بدون اذن او معلق شدن به دو پستان عنوان شده است. و ...

- عن ابي عبدالله - عليه السلام - قال : «ان الله خلق آدم - عليه السلام - من الماء و الطين فهمة ابن آدم في الماء و الطين و خلق حواء من آدم فهمة النساء في الرجال فحصنوهن في البيوت»³.
- در روایت دیگر در بخش آخر آن آمده است : «احبسوا نساءكم يا معاشر الرجال»⁴.
- ابن ابي جمهور في درر اللآلي عن النبي - صلى الله عليه وآله - انه قال : «أخروهنّ من حيث اخرهنّ الله»⁵.

در کتاب کافی بابی هست با عنوان «باب في تأديب النساء» و این احادیث در ذیل آن ذکر شده است :

- علی بن ابراهیم عن ابيه عن النوافلي عن السكوني عن أبي عبدالله - عليه السلام - قال : قال رسول الله - صلى الله عليه وآله - : «لا تنزلوا النساء بالغرف و لا تعلّموهن الكتابة و علّموهنّ المغزل و سورة النور».

1. وسائل الشیعة، ج 20، ابواب مقدمات النکاح، باب 117، ص 211 و 212، ح 5.

2. همان، ص 213، ح 7؛ همچنین ر.ک : همان، ص 212، ح 6.

3. الکافی (فروع)، ج 5، ص 337، ح 4.

4. همان، ح 6.

5. مستدرک الوسائل، ج 3، ص 333.

- عدة من اصحابنا عن سهل بن زياد، عن علي بن اسباط عن عمه يعقوب بن سالم رفعه قال : قال امير المؤمنين - عليه السلام - : «لا تعلموا نساءكم سورة يوسف و لا تقرؤوهن إياها فإنّ فيها الفتن و علّموهن سورة النور فإنّ فيها المواعظ».
- عدة من اصحابنا عن سهل بن زياد عن جعفر بن محمد الاشعري عن ابن القداح عن ابي عبدالله - عليه السلام - قال : «نهى رسول الله - صلى الله عليه و آله - أن يركب سرج بفرج».
- عدة من اصحابنا عن احمد بن أبي عبدالله عن محمد بن علي عن اسماعيل بن يسار عن منصور بن يونس عن اسرائيل عن يونس عن أبي اسحاق عن الحارث الاعور قال : قال اميرالمؤمنين - عليه السلام - : «لا تحملوا الفروج على السروج فتهيجوهن للفجور».

نکته : محدث شهیر علامه مجلسی با مسلم انگاشتن بودن پیامبر - صلی الله علیه و آله - در مثل حدیث ابن القداح (نهی رسول الله (صلی الله علیه و آله) ان یرکب سرج بفرج) در صدد بیان حکم شرعی و مسلم انگاشتن عدم امکان التزام به حرمت در موضوع روایت، نهی را حمل بر کراهت کرده است.⁶ باید پرسید : آیا این نهی یک نهی شرعی و دال بر حکم شرعی است یا میتوان برای امثال این روایات توجیه موجه و صحیح دیگری داشت که منظور پیامبر - صلی الله علیه و آله - و امام صادق - علیه السلام - (که حدیث را نقل کرده اند) آن توجیه بوده است؟ در این زمینه باید تحقیق شود؛ چنان که نباید در مرحله تحقیق از آن غافل شد. نقل روایات را در این مجال تمام شده، تلقی می کنیم در حالی که متتبع به آثار دیگری نیز بر می خورد. البته به این نکته هم باید متفطن بود که بسیاری از این روایات به یک سخن از یک معصوم - علیه السلام - بر می گردد که به دلیل نقل های متعدد، متکثر شده است. دقت در نقل های گذشته این مدعا را ثابت می کند.

3. دلیل اولویت

گاه گفته شده : شهادت زنان در بسیاری از امور مستقلا یا حتی با انضمام رجال پذیرفته نیست، از این طریق می توان قضاوت زن را زیر سؤال برد. زن صلاحیت امام جماعت و خطبه خواندن در نماز جمعه را ندارد؛ و پرواضح است که منصب قضا، پایین تر از مثل اقامت جماعت نیست.⁷

64. مذاق شریعت، سیره متشرعه، عدم تناسب روحیه زن با این کار

عناوینی که ملاحظه می نمایید از وجوه و ادله ای است که برای اثبات اعتبار مذکر بودن قاضی اقامه شده است.

7. حکم اصل در مسأله

واضح است که با مناقشه در همه ادله پیشین، برخی اصل را مطرح کرده و از آن اعتبار مذکر بودن در قضاوت (و در مناصب دیگر) را برداشت کرده اند.⁸

6. همان، پاورقی.

7. ر.ک : فقه القضاء، ج 1، ص 96 و 97.

8. همان ، ص 98.